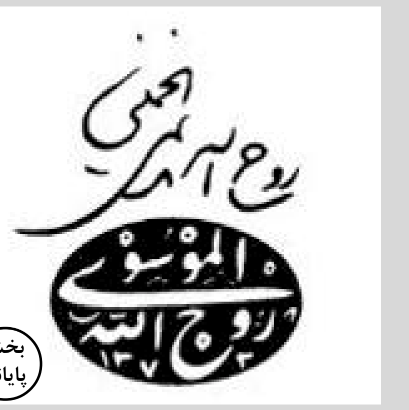

چه کسانی نور چشم مردمند؟

روحانی: شخصی به امام گفته بود: «من سوار قطار خوزستان یا خراسان می شدم، بی آنکه بلیط بخرم». امام فرموده بود: «وظیفه است که بروی و به همان اندازه بلیط بخری و پاره کنی». امام در کتاب کشف اسرار تصریح می فرمایند که با این که فقها همه حکومت ها غیر از حکومت الهی را غاصب می دانند، اما تا زمانی که نتوانند حکومتی را جایگزین آن کنند، نباید با قوانین مصوبه آن مخالفت کنند. به نظر من امام در کتاب کشف اسرار، بیشتر از کتاب حکومت اسلامی سال ۴۸ مبانی را ذکر کرده اند، چون در آنجا حکمی زاده، نویسنده کتاب اسرار هزار ساله می گوید که فقها مدعی هستند که حکومت متعلق به آنهاست، ولی هیچ دلیلی ندارند. امام هم از قرآن، هم از روایت، هم از عقل و دلیل و برهان آورده اند که حکومت باید به دست فقها باشد.

نکته دوم روش خود امام در مبارزه است که نشان می دهد امام به دنبال براندازی بودند و در روز اول آغاز نهضت یعنی ۱۶ مهر ۱۳۴۱، در منزل بنیانگذار حوزه علمیه قم، مرحوم آشیخ عبدالکریم حائری «اعلی الله مقامه» فرمودند: « اگر ما می خواهیم اسلام و ایران از اضمحلال نجات پیدا کند، باید خاندان پهلوی را از بالا پایین بکشیم، چون استعمار انگلیس اینها را آورده که هم اسلام را به دست اینها از بین ببرد و هم ایران را به روز سیاه بنشاند». این جملات نشان می دهد که امام به دنبال براندازی بودند و کسی که دنبال براندازی است، مشخص است که چه می خواهد و جالب اینجاست که ساواک این سخن امام را در گزارش های خود آورده که من سندش را در جلد اول نهضت امام آورده ام.

نکته سوم این که در روش مبارزه امام کاملاً مشخص بود که امام دارند مبارزه را علیه شاه پیش می برند. در آنجایی که می گویند: «بدبخت! بیچاره! ۴۵ سال از سنّ ات می گذرد، هرچه را که برایت دیکته می کنند، نگو»، کاملاً مشخص است که مبارزه علیه شاه است، اما همان طور که شما عزیزان هم اشاره کردید، بیان هدف، زمینه سازی می خواهد. من کتاب نهضت امام خمینی را در نجف نوشتم. در آنجا آورده ام که هدف مثل یک میوه است. اگر زود بچینند، کال و نارس است و غیرقابل هضم، اگر دیر بچینند، از بین می رود و فاسد می شود. یک رهبر حکیم آن است که بتواند از وقتش درست استفاده کند. اگر امام در سال ۴۱، براندازی رژیم شاه را اعلام می کرد، مسلماً او را از بین می بردند.

آیا کسانی که مدعی هستند نظام آنها را حذف کرده است، این حذف به عملکرد خودشان مربوط نمی شود؟

رحیمیان: مگر منافقین، لیبرال ها، بنی صدری ها، قائم مقام رهبری ، خلق مسلمان ها، برخی از مراجع و... مصداق ریزش نبودند؟ به علاوه، می دانیم بعد از رحلت پیغمبر اکرم (ص) عموم مردم ، مگر عده ای انگشت شمار دچار برگشت شدند: «ارتدّ الناس بعد النبی الاّ ثلاثه او اربعه». اما بعد از رحلت امام، درست برعکس بود؛ کسانی که دچار ریزش شدند، نسبت به کل جامعه، علما، مراجع و نخبگان انگشت شمارند! تازه همین تعداد هم که ریزش پیدا کردند، از طرف نظام و رهبری حداکثر تلاش برای حفظ آنها شد ولی در واقع آنها خودشان این بیراهه را انتخاب کردند نه نظام.

روحانی: کسانی که مدعی حذف شدن هستند، ابتدا باید روشنان مطالعه شود. آیا آنها آن گونه که باید و شاید پیرو ولی فقیه بودند؟ آیا فقیه است؟ چگونه دارد از خط امام اطاعت می کند؟ خود امام قبل از این که مبارزات را شروع کند، به این اصل اعتقاد داشت. چرا امام از بعد از شهریور ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۱ نهضت را آغاز نمی کند؟ در آن موقع شاه ضعیف بود و امام هم واقعاً انگیزه و اندیشه براندازی داشت، ولی تا وقتی که آیت الله العظمی بروجردی در قید حیات بود، امام هرگز به خود اجازه نداد برخلاف نظر ولی زمان کاری انجام بدهد. البته محضر ایشان می رفت، انتقاد می کرد، پیشنهاد می داد، اعتراض هم می کرد، ولی وقتی از محضر ایشان بیرون می آمد، نظرات ایشان را کاملاً ملحوظ می داشت، خلاف رأی ایشان حرفی نمی زد و کلامی نمی نوشت.

حتی اگر کسانی کوچک ترین تعرضی نسبت به آقای بروجردی داشتند، امام تا آخر عمرش آنها را نبخشید و تا روزی که چشم از جهان فرو بست حاضر نشد آنها را کوچک ترین تأییدی بکند.

امام نسبت به اصل ولایت فقیه این گونه بود و تا وقتی که آقای بروجردی زنده بود، برخلاف رأی و نظر ایشان حرکتی نکرد. آن وقت کسانی که امروز مدعی پیروی از امام هستند، چگونه است که از خط ولایت پیروی نمی کنند؟ حرفشان چیست؟ چه می خواهند بگویند؟ امام درمورد آرمان های خود هیچ وقت کوتاه نیامد. تعبیر امام از نهضت آزادی این است که تا این کشور را به دست امریکا ندهند، دست از توطئه برنمی دارند. حالا چطور شده که اینها یاران جان در جانی نهضت آزادی شده اند؟

امام در مورد امریکا هرگز کوتاه نیامد و امریکا را دشمن قسم خورده ایران و مسلمانان می دانست، آن وقت آقایان می گویند ما همان موقع هم به امام نامه نوشتیم که با امریکا کنار بیاییم، چه فرقی بین امریکا با چین و شوروی هست؟ این حرف ها را در همان سال های اول نهضت هم مخالفین مطرح کردند و امام جواب داد. در سال ۴۳ که امام تازه از زندان آزاد شده و علیه اسرائیل سخنرانی تندی را ایراد کرد، بعضی از آخوندهای بی سواد تهران الم شنگه راه انداختند که «الکفر ملة واحده»، ایشان چرا دائماً از اسرائیل می گوید؟ امام می گوید من از این که جمله «الکفر ملة واحده» از سوی سازمان ملل سر زبان ها افتاده، متأسفم. این کلام خلاف نص قرآن کریم است. ما در احکام دینی کافر حربی و کافر غیرحربی داریم. یعنی چه که چه فرقی بین روسیه و امریکا و چین هست؟ الان امریکا به عنوان یک دشمن اصلی و قسم خورده در مقابل ما ایستاده. پیامبر اکرم(ص) با یهودیانی که کافر حربی نبودند، پیمان می بست و با کفار حربی می جنگیدند.

***سید حمید روحانی : امروز کسانی که در خط اصیل امام و پایبند به خط امام باشند، نور چشم مردم هستند. ملت محال است امام را دوست داشته باشد و یاران و پیروان امام را طرد کند. اگر اینها امروز نمی توانند در میان مردم، سر بلند کنند، اگر نمی توانند حتی در میان مردم بیایند و با آنها حرف بزنند، مشخص است که از خط امام منحرف شده اند، والا مردم که عوض نشده اند. اینها مدعی هستند که مخالفان آنها بی سیم به دست ها هستند. پس مردم مرده اند؟ مردم امکان ندارد اجازه بدهند به کسی که در خط امام است، کوچک ترین اهانتی بشود و همان طور که پشت سر امام ایستاده بودند، پشت سر رهبر ایستاده اند و خط امام را پاس می دارند، از یاران امام هم با همه وجودشان حمایت می کنند. اگر مردم نسبت به اینها بی توجه شده اند، باید ببینند خودشان چه کرده اند که به این روز سیاه نشسته و نزد مردم مطرود و منفور شده اند.**

*** مردم هم همراهی نمی کردند...**

روحانی: بله، چون خیلی از مردم هنوز به شاه علاقه مند بودند و حرف های عوامفریبانه شاه را پذیرفته بودند. این که امام در جریان حمله به مدرسه فیضیه خوشحال می شود و می گوید همین را می خواستیم و خوشحال شدیم، به خاطر این است که ماهیت شاه کاملاً برملا شد. امام در مرحله اول به دنبال آن بود که مردم را آگاه کند و مردم، شاه ام الفساد را به درستی بشناسند تا هدف را در وقت مناسبش مطرح کند.

بنابراین همان طور که اشاره کردید که امام در سخنرانی روز ۴ آبان ۱۳۴۳ گفتند: «دنیا بداند که اینها وکیل ملت نیستند، اگر بودند من عزلشان می کردم»، اگر جز اندیشه حکومت باشد، این حرف معنا نخواهد داشت و نشان می دهد که امام به مسئله حکومت کاملاً اعتقاد داشت. بنابراین چه در اصل براندازی رژیم شاه و چه در تأسیس حکومت اسلامی، روش خود امام هم بخوبی موضوع را نشان می دهد و این حقیقت را روشن می کند که امام از آغاز به دنبال براندازی رژیم شاه و تشکیل حکومت اسلامی بود.

*** نکته دیگری که غالباً دشمنان نظام سعی در القای آن دارند این است که در زمان امام ریزشی وجود نداشت ولی پس از امام، ریزش های زیادی اتفاق افتاده است. آیا این ادعا درست است؟**

آرمان ها و خط امام را کاملاً پاس داشتند؟ یا بر این باورند که چون از یاران امام بوده اند، هر کاری بکنند و هر راهی بروند، به دلیل این که از یاران امام بوده اند، باید از هرگونه برخوردی مصون باشند؟ اگر بر این باورند که چون مدتی در خدمت امام بوده اند ـ حالا ما کار نداریم که یار واقعی امام بوده اند یا نایار امام ـ برای همیشه از هرگونه انتقاد و اعتراضی مصون هستند. این حرف برادران اهل تسنن ماست که صحابه به دلیل این که در کنار پیامبر(ص) بوده اند، صرفاً به دلیل این که صحابه هستند، قابل احترام هستند، درحالی که در مکتب تشیع، در کنار پیامبر(ص) بودن و حتی همسر پیامبر بودن ملاک نیست، بلکه ملاک، عمل فرد است. امروز اگر افرادی دچار ریزش شده اند، در مرحله اول، مشکل از خودشان است، یعنی که از خط رهبری جدا شده اند، اوامر رهبری را آن گونه که باید اطاعت نمی کنند...

***پرسش این است که کسی که مدعی پیروی از خط امام است، آیا امروز باید در کنار لیبرالها، غربزده ها و نهضت آزادی باشد؟**

روحانی: قبل از این باید پرسید کسی که مدعی پیروی از خط امام است، آیا اصل ولایت فقیه را قبول دارد یا ندارد؟

*** که مهم ترین میراث امام است...**

روحانی: آیا این را قبول دارد؟ پس این چه جور پیروی از ولایت

امروز کسانی که در خط اصیل امام و پایبند به خط امام باشند، نور چشم مردم هستند. ملت محال است امام را دوست داشته باشد و یاران و پیروان امام را طرد کند. اگر اینها امروز نمی توانند در میان مردم، سر بلند کنند، اگر نمی توانند حتی در میان مردم بیایند و با آنها حرف بزنند، مشخص است که از خط امام منحرف شده اند، والا مردم که عوض نشده اند. اینها مدعی هستند که مخالفان آنها بی سیم به دست ها هستند. پس مردم مرده اند؟ مردم امکان ندارد اجازه بدهند به کسی که در خط امام است، کوچک ترین اهانتی بشود و همان طور که پشت سر امام ایستاده بودند، پشت سر رهبر ایستاده اند و خط امام را پاس می دارند، از یاران امام هم با همه وجودشان حمایت می کنند. اگر مردم در صحنه نباشند و به تعبیر اینها مرده باشند، نظام ما نمی تواند پا برجا بماند. قدرت نظام ما به این مردم است. این مردمی که پشت سر نظام ایستاده اند، پشت سر یاران امام هم ایستاده اند. اگر مردم نسبت به اینها بی توجه شده اند، باید ببینند خودشان چه کرده اند که به این روز سیاه نشسته و نزد مردم مطرود و منفور شده اند.

مسئولیت من این باشد که چای بدهم!

*** رهبر معظم انقلاب : ما عضو شورای انقلاب بودیم یک روز معین کردیم و رفتیم در اطاقی نشستیم. صحبت از تقسیم مسئولیت ها شد و در آنجا گفتم که مسئولیت من این باشد که چای بدهم! همه تعجب کردند. یعنی چه، چای؟! گفتم بله، من چای درست کردن را خوب بلدم. با گفتن این پیشنهاد، جلسه حالی پیدا کرد. این روحیه من بوده است. البته آن حرفی که در آنجا زدم، می دانستم که کسی من را برای چای ریختن معیّن نخواهد کرد و نمی گذارند که من در آنجا بنشینم و چای بریزم، اما واقعاً اگر کار به اینجا می رسید که بگویند درست کردن چای به عهده شماست، می رفتم عبایم را کنار می گذاشتم و آستین هایم را بالا می زدم و چای درست می کردم. این پیشنهاد، نه تنها برای این بود که چیزی گفته باشم؛ واقعاً برای این کار آماده بودم. من با این روحیه وارد شدم و بارها به دوستانم می گفتم که آن کسی نیستم که اگر وارد اطاقی شدم، بگویم آن صندلی متعلق به من است و اگر خالی بود، بروم آنجا بنشینم و اگر خالی نبود، قهر کنم و بیرون بروم.**

وقتی من به این دوران هشت ساله نگاه می کنم و آن رنج ها و تجربه ها و آن ساعات دشوار را به یاد می آورم، همان حالتی به من دست می دهد که وقتی به دوران مبارزه قبل از انقلاب نگاه می کنم، یعنی اگرچه خشنودیم که مبارزاتی که ملت ایران و عناصر مبارز کردند، بحمدالله به نتیجه به این خوبی رسید، اما لذت دوران مبارزه توأم با محنت در راه خدا، چیزی است که دیگر قابل فراموش کردن و تعویض با چیز دیگر نیست. حقیقتاً در دوران مبارزه، آن سختی ها و محنت ها و دلهره ها و اضطراب ها، با خودش لذت خاصی را به همراه داشت که در دوران راحت و عافیت متصوّر نیست. آن لذت معنوی، ناشی از محبت و عشق و تلاش عاشقانه یک انسان به سمت هدفی است که محبوب و معشوق اوست.

عین این احساس را نسبت به همین دوران هشت ساله جنگ داریم. سال شصت وهفت، به دنبال آن تهاجم نامردانه ای که رژیم عراق بعد از پذیرش قطعنامه کرد، به منطقه جنگی رفتم و آن روزها در آنجا بودم و اتفاقاً همین امروز قبل از آمدن به این جلسه، فکر آن حالات و ساعات و لحظات و احساسات آن روزها و ساعات را می کردم و می دیدم که واقعاً قابل معاوضه با هیچ چیز دیگری نیست. لحظاتی که انسان برای خدا و در راه او زحمتی را متحمل می شود و بار سنگینی را بر دوش می گیرد و اضطراب و محنتی را بر جان خودش می پذیرد، واقعاً نمی شود آن را با چیز دیگر معاوضه کرد.

محنت جنگ تحمیل شده بود و در کنار این محنت، جوشش فداکاری ها و ایثار ها و جلوه های زیبای حضور انقلابی ملت در صحنه های گوناگون به چشم می خورد و روی همه اینها، به خیمه منوّر حضور امام و نظر فراگیر آن بزرگوار و اراده همه جا حاضر او که واقعاً مثل کوه پشت سر ما بود؛ دل خوش و دل گرم بودیم. هم زحمت می کشیدیم، هم محنت عمومی را درک می کردیم، هم از احساسات و تلاش ها و فداکاری های مردم به هیجان می آمدیم و هم در یک فضای آمیخته به معنویت و عرفان و حماسه و اراده و عزمی که از وجود و حضور امام ناشی می شد، زندگی می کردیم. این واقعاً چیزی است که دیگر قابل تکرار و تجدید نیست.

به گذشته با این چشم باید نگاه بکنیم؛ یعنی با چشم رضایت و نگاه از روی احساس انجام تکلیف که هر مؤمنی وقتی تکلیفی را انجام دهد، خوشحال است و این خوشحالی عیب نیست، بلکه حسن است. این خوشحالی، با تکبّر و عجب و این طور چیزها، به هیچ وجه مخلوط نشود. این یک احساس دیگر است. انسان می گوید؛ الحمدلله توفیق پیدا کردم، در این مدت تکلیفم را انجام دادم. ما باید یاد زیبای آن روزها را واقعاً در ذهنمان نگه داریم و حفظ کنیم و اگر بتوانیم، بر روی کاغذ بیاوریم تا برای آینده بماند.

مجموعه ما باید تصمیم بگیرد که خط انقلاب را به معنای حقیقی کلمه و بدون هیچ گونه کمبود و کسری و پذیرش ساییدگی در گوشه ای از این هدف ها، با قاطعیت و قدرت به سمت هدف های انقلاب ادامه دهیم. صحنه، صحنه وسیعی است. همه جایش می شود حضور داشت و این احساس را کرد؛ هر جا که باشیم، بایستی تصمیم را بر این قرار بدهیم که با هماهنگی کامل و با یاد امام، به سمت هدف ها حرکت کنیم.۶۸/۵/۱۸

نسبت به آینده، بایستی خودمان را برای خدمت در هر جا و به هر گونه آماده کنیم؛ بدون اینکه قبلاً در جایی، خدمت خود را نشان و مشخص کرده باشیم. از اول انقلاب، خودم این گونه بودم و بنایم بر این بود. هنگامی که قرار بود امام رحمة الله علیه تشریف بیاورند و ما در دانشگاه تهران تحصن داشتیم، جمعی از رفقای نزدیکی که با هم کار می کردیم و همه شان در طول مدت انقلاب، نام و نشان هایی پیدا کردند و بعضی از آنها هم به شهادت رسیدند، مثل شهید بهشتی، شهید مطهری، شهید باهنر، مرحوم ربانی شیرازی،[4] مرحوم ربانی اَملَشی[5] با هم می نشستیم و در مورد قضایای گوناگون مشورت می کردیم. گفتیم که امام، دو، سه روز دیگر یا مثلاً فردا وارد تهران می شوند و ما آمادگی لازم را نداریم. بیاییم سازمان دهی کنیم که وقتی ایشان آمدند و مراجعات زیاد شد و کارها از همه طرف به اینجا ارجاع گردید، معطل نمانیم. صحبت دولت هم در میان نبود.

ما عضو شورای انقلاب بودیم و بعضی هم در آن وقت، این موضوع را نمی دانستند و حتی بعضی از رفقا مثل مرحوم ربانی شیرازی یا مرحوم ربانی املشی نمی دانستند که ما چند نفر، عضو شورای انقلاب هم هستیم. ما با هم کار می کردیم و صحبت دولت هم در میان نبود؛ صحبت همان بیت امام بود که وقتی ایشان وارد می شوند، مسئولیت هایی پیش خواهد آمد. گفتیم بنشینیم برای این موضوع، یک سازمان دهی بکنیم. ساعتی را در عصرِ یک روز معین کردیم و رفتیم در اطاقی نشستیم. صحبت از تقسیم مسئولیت ها شد و در آنجا گفتم که مسئولیت من این باشد که چای بدهم! همه تعجب کردند. یعنی چه، چای؟! گفتم بله، من چای درست کردن را خوب بلدم. با گفتن این پیشنهاد، جلسه حالی پیدا کرد.

این روحیه من بوده است. البته آن حرفی که در آنجا زدم، می دانستم که کسی من را برای چای ریختن معیّن نخواهد کرد و نمی گذارند که من در آنجا بنشینم و چای بریزم، اما واقعاً اگر کار به اینجا می رسید که بگویند درست کردن چای به عهده شماست، می رفتم عبایم را کنار می گذاشتم و آستین هایم را بالا می زدم و چای درست می کردم. این پیشنهاد، نه تنها برای این بود که چیزی گفته باشم؛ واقعاً برای این کار آماده بودم.

من با این روحیه وارد شدم و بارها به دوستانم می گفتم که آن کسی نیستم که اگر وارد اطاقی شدم، بگویم آن صندلی متعلق به من است و اگر خالی بود، بروم آنجا بنشینم و اگر خالی نبود، قهر کنم و بیرون بروم. نه خیر، من هیچ صندلی خاصی در هیچ اطاقی ندارم. من وارد اطاق می شوم و هر جا خالی بود، همان جا می نشینم. اگر مجموعه احساس کرد که اینجا برای من کم است و روی صندلی دیگری نشاند، می نشینم و اگر همان کار را نیز مناسب دانست، آن را انجام می دهم. گفتن این مطالب شاید چندان آسان نباشد و ممکن است حمل بر چیزهای دیگر شود، اما واقعاً اعتقادم این است که برای انقلاب باید این طوری باشیم. از پیش معیّن نکنیم که صندلی ما آنجاست و اگر دیدیم آن صندلی را به ما دادند، خوشحال بشویم و برویم بنشینیم و بگوییم حقمان بود و اگر دیدیم آن صندلی را نشد و یا گوشه اش ذرّه ای ساییده بود، بگوییم به ما ظلم شد و قبول نداریم و قهر کنیم و بیرون برویم. من از اول این روحیه را نداشتم و سعی نکردم این طوری باشم. در مجموعه انقلاب تکلیف ما این است.۶۸/۵/۱۸

«آگهی استمداد»

نظر به اینکه در تاریخ ۹۰/۲/۲ جسد مجهول الهویه مردی بدون سر حدود ۲۵ ساله با وزن تقریبی ۶۰کیلوگرم قد تقریبی ۱۷۰ سانتی متر و ملبس به شلوار سرمه ای جین همراه با سائیدگی در ناحیه ساق چپ و اورکت سبزرنگ و تی شرت سفید رنگ در ۱۵ کیلومتری جاده چوپان زیر پل منطقه اردکان کشف گردیده و علی رغم تحقیقات انجام شده درخصوص تعیین هویت جسد توسط دادسرای عمومی و انقلاب اردکان و پلیس آگاهی اردکان نتیجه ای حاصل نگردیده است لذا با درج این آگهی از کسانی که با توجه به تاریخ کشف جسد اطلاعاتی در این خصوص دارند درخواست می شود به دادسرای عمومی و انقلاب اردکان یا پلیس آگاهی اردکان اطلاع داده و یا با شماره تلفن ۰۳۵۲۷۲۲۲۰۲۰ تماس گرفته و مراتب را اعلام نمایند.

فلاح پوری- بازپرس دادسرای عمومی و انقلاب اردکان

«آگهی استمداد»

نظر به اینکه در تاریخ ۸۳/۷/۱۱ جسد مجهول الهویه سوخته شده و کاملا ذغالی در نزدیکی زیارتگاه زرتشتیان (چک چک) کشف گردیده و علی رغم تحقیقات انجام شده درخصوص تعیین هویت جسد توسط دادسرای عمومی و انقلاب اردکان و پلیس آگاهی اردکان نتیجه ای حاصل نگردیده است لذا با درج این آگهی از کسانی که با توجه به تاریخ کشف جسد اطلاعاتی در این خصوص دارند درخواست می شود به دادسرای عمومی و انقلاب اردکان یا پلیس آگاهی اردکان اطلاع داده و یا با شماره تلفن ۰۳۵۲۷۲۲۲۰۲۰ تماس گرفته و مراتب را اعلام نمایند.

فلاح پوری- بازپرس دادسرای عمومی و انقلاب اردکان

آگهی ابلاغ

آقای اصغر خلیلی فرزند غلامعلی دبیر تارک خدمت آموزش و پرورش ناحیه یک قزوین

در اجرای ماده ۱۰۰ آئین دادرسی مدنی به شما که به استناد رای شماره ۹۲۰ مورخه ۱۳۹۱/۲/۲۷ هیئت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان آموزش و پرورش استان قزوین بر حسب ارتکاب غیبت غیرموجه به اخراج محکوم شده اید و رای صادر گردیده است ابلاغ می گردد ظرف مدت یک ماه از تاریخ انتشار این آگهی جهت تحویل و رؤیت رای مذکور به کارگزینی اداره آموزش و پرورش محل خدمت خود مراجعه نمائید در غیر این صورت پس از انقضای مهلت مذکور رای رویت شده تلقی و به مرحله اجرا گذاشته خواهد شد.

هیئت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان آموزش و پرورش استان قزوین

(نوبت اول)

کارت معافیت پزشکی اینجانب فضل‌الله رئیسی فرزند حسین به شماره شناسنامه ۳۲۸ صادره از شهرکرد متولد ۱۳۴۰ مفقود شده اعتبار ندارد.

آگهی تصمیمات شرکت سهامی خاص صادراتی آذر تاک بشماره ثبت ۳۶۳ و شناسه ملی ۱۰۲۲۰۰۲۱۸۳۳

باستناد صورت جلسات مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده و هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۱/۳/۱۷ شرکت سهامی خاص صادراتی آذر تاک تصمیمات ذیل اتخاذ شد:

۱–عبدالرضا مهدیزاده و ویدا اقبالی افشار و الناز مهدیزاده بعنوان اعضای اصلی هیئت مدیره بمدت دو سال انتخاب شدند.

۲–فرشید چابک بالاو بسمت بازرس اصلی و پرویز منافی بسمت بازرس علی‌البدل بمدت یکسال مالی انتخاب شدند.

۳–روزنامه کیهان جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین شد.

۴–عبدالرضا مهدیزاده بسمت عضو و رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل و ویدا اقبالی افشار بسمت عضو و نایب رئیس هیئت مدیره و الناز مهدیزاده بسمت عضو هیئت مدیره شرکت بمدت دو سال انتخاب شدند.

۵–امضای کلیه اسناد مالی، چکها و قراردادها و اسناد تعهدآور بتنهایی با هر یک از اعضای هیئت مدیره مذکور همراه با مهر شرکت معتبر خواهد بود.

نشانی شرکت در ارومیه به خ کاشانی– کوچه ساسان پلاک نوساز طبقه اول تغییر و تصویب گردید.

۶–امضای ذیل ثبت دفتر مربوطه در تاریخ ۹۱/۴/۵ تکمیل شد.

مسئول ثبت شرکتهای ارومیه - مریم چراغی

(آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت حمل و نقل کالسکه نیکو ثبت ۱۶۳۳)

جلسه مجمع عمومی سالیانه شرکت کالسکه نیکو در ساعت ۵بعدازظهر روز سه شنبه مورخه ۱۳۹۱/۴/۲۰ در دفتر شرکت واقع در کمربندی شرقی جهت رسیدگی دستور جلسه تشکیل می گردد. از سهامداران محترم یا نماینده قانونی آنان جهت حضور در جلسه دعوت بعمل می آید.

دستور جلسه

۱–استماع گزارش هیات مدیره و بازرسان
۲–تصویب ترازنامه و عملکرد و سایر گزارشات مالی سال ۱۳۹۰
۳– انتخاب اعضای هیات مدیره و بازرسان
۴– انتخاب روزنامه کثیرالانتشار
۵– سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی سالیانه می باشد.

همتی
رئیس هیات مدیره شرکت حمل و نقل کالسکه نیکو

آگهی ابلاغ

سرکار خانم فریبا فرج الهی فرزند عزت اله آموزگار تارک خدمت آموزش و پرورش شهرستان آبیک

در اجرای ماده ۱۰۰ آئین دادرسی مدنی به شما که به استناد رای شماره ۹۱۸ مورخه ۱۳۹۱/۲/۱۳ هیئت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان آموزش و پرورش استان قزوین بر حسب ارتکاب غیبت غیرموجه به اخراج محکوم شده اید و رای صادر گردیده است، ابلاغ می گردد ظرف مدت یک ماه از تاریخ انتشار این آگهی جهت تحویل و رؤیت رای مذکور به کارگزینی اداره آموزش و پرورش محل خدمت خود مراجعه نمائید در غیر این صورت پس از انقضای مهلت مذکور رای رویت شده تلقی و به مرحله اجرا گذاشته خواهد شد.

هیئت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان آموزش و پرورش استان قزوین

آگهی رسمی شرکت شالوده محور (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۱۳۷۶ دارای شناسه ملی ۱۰۵۳۰۳۳۳۹۵۵

به موجب صورتجلسات مجمع عمومی فوق العاده و عادی و هیئت مدیره مورخ ۲۷ و ۹۱/۳/۲۸ در شرکت فوق تصمیمات ذیل حاصل گردید:
۱– آدرس شرکت از محل قبلی در شیراز به گلدشت معالی آباد– خیابان نسترن ۲ کوچه ۲ شماره ۵۱ تغییر یافت.
۲– آقای امیر همت یار و آقای بهزاد رشیدیان به ترتیب به سمت بازرسان اصلی و علی البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب گردیدند.
۳– روزنامه کیهان جهت درج آگهی های شرکت تعیین گردید.
۴– خانم شکوفه راستی به سمت رئیس هیئت مدیره و خانم مرجان راستی به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و آقای احمد راستی به سمت مدیرعامل و عضو هیئت مدیره همگی برای مدت دو سال انتخاب گردیدند.
۵– مقرر گردید حق امضاء کلیه اوراق و اسناد رسمی و بهاءدار و بانکی و تعهدآور و قراردادها با امضای مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر می باشد و در غیاب ایشان با امضای یکی از اعضای هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می باشد.

نوذری- مسئول ثبت شرکتهای شیراز

مجله کیهان ورزشی
قدیمی‌ترین
مجله ورزشی ایران
شنبه هر هفته بصورت سراسری
منتشر می‌شود

آگهی تصمیمات شرکت ساختمانی و صنعتی استوکاژ سهامی خاص به شماره ثبت ۹۱۸۶۳۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۶۳۴۷۸۹ طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده مورخ ۹۰/۱۲/۱۳ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۰/۱۲/۲۳ واصل گردید. حمیدرضا امیری مشهدی به کد ملی ۰۰۳۱۷۷۴۸۷۳ به سمت بازرس اصلی و دارژات پطروسیان به کد ملی ۰۵۵۹۴۰۲۴۵۷ به سمت بازرس علی البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار کیهان جهت درج آگهی های شرکت تعیین گردید.

اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

شرایط و فرم اشتراک نشریات کیهان در شهرستانها

متقاضیان محترم می‌توانند با توجه به جدول زیر نسبت به انتخاب هر یک از نشریات مورد علاقه و واریز مبلغ اشتراک به **حساب ۰۱۰۶۷۱۳۵۹۵۰۰۹** (سیبا)بانک ملی شعبه سعدی جنوبی کد ۶۹ به نام موسسه کیهان (آقای حسین شریعتمداری) و ارسال اصل فیش بانکی همراه با فرم تکمیل شده ذیل به **صندوق پستی ۱۱۳۶۵/۳۶۳۱** با پست سفارشی نسبت به برقراری اشتراک خود اقدام نمایند.

نوع نشریه	یکساله (ریال)	شش ماه (ریال)	سه ماهه (ریال)
مجله کیهان بچه ها	۲۹۰۰۰۰	۱۴۵۰۰۰	۷۲۵۰۰
مجله کیهان ورزشی	۴۹۰۰۰۰	۲۴۵۰۰۰	۱۲۲۵۰۰
مجله زن روز	۴۹۰۰۰۰	۲۴۵۰۰۰	۱۲۲۵۰۰
مجله کیهان فرهنگی	۱۳۵۰۰۰	---	---
مجله کیهان کاریکاتور	۱۶۵۰۰۰	---	---

توجه:

۱– یک نسخه از کپی فیش بانکی و قبض سفارشی را تا پایان مدت اشتراک حتما نزد خود نگهداری نمائید.
۲– در صورت تغییر قیمت نشریات و یا هزینه پستی، معادل مبلغ پرداخت شده، نشریه مورد تقاضا ارسال می گردد.
۳– در صورت تمایل به اشتراک چند نشریه، برای هر کدام فیش بانکی جداگانه تهیه فرمائید.

فرم تقاضا

نام: .... نام خانوادگی: .... نوع نشریه: ....
تعداد نسخه .... مدت .... مبلغ پرداختی: .... ریال
نام و کد شعبه: .... .شماره فیش بانکی: .... تلفن........................
آدرس...
.... کد پستی: .... ایمیل: ....
امضاء

واحد آبونمان موسسه کیهان

تلفن واحد آبونمان: ۳۳۹۱۳۲۳۸-۰۲۱ نمابر: ۳۳۹۱۰۹۲۲ ۰۲۱ ایمیل: int-affairs@kayhannews.ir